بانکداری اسلامی؛ چالش ها در نظریه و اجرا

بازمحمدی، حسین

بانکداری بدون ربا از جهت اقتصادی و حقوقی با پرسش‏های جدی رو به روست‏ بانکداری اسلامی؛ چالش‏ها در نظریه و اجرا

مقدمه

تاریخ تاسیس اولین موسسات مالی که در سطحی‏ گسترده اقدام به عرضه خدمات بانکی اسلامی به‏ شهروندان کردند،به سال‏های 1972 و 1975 باز می‏گردد که بانک ناصر در قاهره پایتخت مصر و بانک اسلامی‏ دبی تاسیس گردید.

طی بیش از سه دهه که از آغاز فعالیت اولین موسسات‏ مالی اسلامی می‏گذرد،با کوشش متفکران مسلمان‏ پیشرفت‏های نظری فراوانی در حوزه‏های پول، بانکداری و بیمه اسلامی صورت گرفته است.در عرصه‏ اجرایی نیز،از یک طرف به دلیل تنوع خدمات مالی‏ بانک‏های اسلامی که ناشی از حضور بانک در فعالیت‏های بخش واقعی اقتصاد است و به این لحاظ خدمات بانکداری اسلامی را بسیار شبیه به شیوه‏ بانکداری نوین،موسوم به بانکداری جامع‏1،نموده است؛ و از طرف دیگر،استقبال جوامع مسلمان از خدمات‏ بانک‏های اسلامی،که از انگیزه‏های دینی آنها متاثر است، موجبات گسترش حضور بانک‏های اسلامی در عرصه‏ خدمات مالی بسیاری از کشورها را فراهم آورده است. با این حال،همچنان با چالش‏هایی اساسی در حوزه‏های‏ نظری و اجرایی،در پیش روی متفکران مسلمان و مدیران بانک‏های اسلامی قرار دارد.

1-تعریف بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی را می‏توان ارایه خدمات مالی منطبق‏ با احکام فقهی معاملات،که شاخه‏ای از احکام شریعت‏ اسلامی است،دانست‏2.به صورت عملی نیز می‏توان‏ بانکداری اسلامی را بانکداری مبتنی بر اصل تسهیم سود و زیان تعریف نمود.3مشخصه‏های بانکداری اسلامی‏ عبارتست از:

الف-رابطه بین بانک و مشتری،رابطه بدهکار و بستانکار نیست؛بلکه مشارکت در ریسک و پاداش‏ است.این فرض اساسی به دو نتیجه می‏انجامد.اول،نرخ‏ بازدهی ثابت و از پیش تعیین شده‏ای برای وجوه‏ سپرده‏گذاری شده نزد بانک و تسهیلات اعطایی بانک‏ وجود ندارد.نرخ بازدهی به سود تحقق یافته ناشی از عملیات و نسبت مشارکت در سرمایه یا نسبت توافق‏ شده در مورد تسهیم سود بستگی دارد.دوم،به جز در مورد حساب‏های جاری که وجوه آنها به محض‏ درخواست به مشتری بازگردانده می‏شود،در بانک‏ اسلامی هیچگونه بدهی دیگری وجود ندارد.بانک‏ اسلامی مدیریت وجوه سپرده‏گذاری شده را بر عهده‏ دارد و چنانچه اتلاف وجوه ناشی از مسامحه بانک نبوده‏ باشد،در قبال آن به صاحب سپرده بدهکار نیست.

ب)برخلاف بانک‏های سنتی،که حساب سرمایه و وجوه سپرده‏گذاران را با هم نگهداری می‏کنند،بانک‏ اسلامی به منظور جلوگیری از اختلاط سود متعلق به‏ وجوه خود(سرمایه شامل مانده حساب‏های جاری که‏ بازپرداخت آنها تضمین می‏شود)با سود متعلق به وجوه‏ سپرده‏گذاران که بر مبنای توافق تسهیم سود و زیان بین‏ بانک و مشتری تقسیم می‏گردد،حساب سرمایه و وجوه‏ سپرده‏گذاران را به صورت جداگانه نگهداری می‏کند.

ایرادهای حقوقی نظریه‏ بانکداری بدون ربا نیز کاملا جدی است.این‏ ایرادها بیشتر متوجه‏ رابطه وکالت بانک و صاحبان سپرده‏های‏ سرمایه‏گذاری می‏شود

ج)بر خلاف بانک‏های سنتی،تامین مالی در بانک‏ اسلامی با ارایه وام نقدی صورت نمی‏گیرد،بلکه از راه‏ مشارکت یا استفاده از ابزارهای اسلامی مانند فروش‏ اقساطی یا اجاره انجام می‏شود.داد و ستد،سهم بزرگی‏ از فعالیت‏های بانک اسلامی را به خود اختصاص‏ می‏دهد.به عبارت دیگر،بانک کالاهای مورد نیاز مشتریان را می‏خرد و آنها را با سود توافقی به مشتریان‏ در قبال وجه نقد یا پرداخت تدریجی،می‏فروشد.

د)بانک‏های اسلامی،موسساتی چند منظوره هستند. اینها،نقش بانک‏های تجاری،بانک‏های سرمایه‏گذاری‏ و بانک توسعه را ایفا می‏کنند.بانک اسلامی با توجه به‏ ساختار منابع خود،مانند یک بانک تجاری عملیات‏ کوتاه‏مدت انجام می‏دهد و در سرمایه‏گذاری‏های میان‏ مدت و بلندمدت مانند بانک‏های توسعه‏ای و موسسات‏ مالی غیر بانکی شرکت می‏کند.

هـ)برخلاف بانک‏های سنتی که نقش آنها در جذب‏ منابع مالی و اعطای وام‏های بهره‏بردار برای کسب سود خلاصه می‏شود،تاکید بانک‏های اسلامی بر استفاده از منابع مالی برای توسعه کل جامعه است.سود،که در بانکداری اسلامی بدون تردید بر آن تاکید می‏شود، هدف اصلی از تامین مالی نیست.بانک اسلامی بر تحصیل اهداف اقتصادی-اجتماعی بدون تخطی از احکام شریعت تاکید دارد.

و)بانکداری اسلامی در اساس مبتنی بر سهام است. ز)برخلاف نظام بانکی سنتی که به لحاظ ارزشی خنثی‏ است،نظام بانکی اسلامی یک نظام ارزشی است.

ح)برخلاف بانک‏های سنتی که تنها مورد بررسی‏های‏ مرسوم حسابرسی قرار می‏گیرند،بانک‏های اسلامی‏ علاوه بر حسابرسی مرسوم،مورد بررسی هیات نظارتی‏ مذهبی نیز قرار دارند،تا نسبت به انطباق راه‏های جذب‏ وجوه و سرمایه‏گذاری آنها با اصول اسلامی،اطمینان‏ بدست آید.

بانک‏های اسلامی در ارایه خدماتی که به بهره مربوط نمی‏شوند،مشابه با بانک‏های سنتی فعالیت می‏کنند؛ خدماتی مانند نگهداری حساب‏های جاری،گشایش‏ اعتبارات اسنادی،نگهداری اشیاء گران‏قیمت،حواله‏ وجوه،صندوق امانت و خدمات دیگری که در قبال‏ دریافت کارمزد یا حق الزحمه صورت می‏گیرد4.

2-چالش‏های نظری بانکداری بدون ربا

در حوزه نظری بانکداری بدون ربا به طور کلی و نمونه‏ آن در کشور ما،در دو زمینه با چالش جدی مواجه است. اول،از نگاه نظریه اقتصادی و مالی؛دوم از دیدگاه‏ حقوقی.

انگیزه اصلی اندیشمندان مسلمان از معرفی بانکداری‏ اسلامی به عنوان جایگزینی برای شیوه بانکداری سنتی‏ (مرسوم)،حذف ربا از جامعه بوده است.این گروه اگر چه‏ از تردیدهایی در مورد تلقی ربای جاهلی از نرخ بهره‏ رایج در عملیات بانکی آگاه بوده‏اند،لیکن به دلیل آیات‏ صریح قرآن کریم در تحریم ربا و اینکه در اسلام حرمت‏ ربا جزء ضروریات دین محسوب می‏شود و هر کس آن‏ را نازل بشمارد در زمره کفار خواهد بود5،برای ارایه‏ نظریه بانکداری بدون ربا تردید نکرده‏اند.حساسیت‏ موضوع و نگرانی از خدشه بر کلام خداوند،تا به زمان‏ حاضر مانع از تحصیل اجماع مبنی بر دوگانگی ربای‏ حرام و نرخ بهره بانکی گردیده است.به خصوص، علمای شاخص دینی از اتخاذ تصمیمی قاطع در این زمینه پرهیز داشته‏اند.

با این حال،طی چندین سال گذشته‏ اندیشمندانی هم از حوزه و هم از دانشگاه، برداشت یکسان از ربای جاهلی و نرخ بهره بانکی‏ را به چالش کشیده‏اند.به عقیده ایشان، نظریه‏پردازن بانکداری بدون ربا با غفلت از تفاوت‏های ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع‏ قدیمی و امروزی،بهره بانکی را به اشتباه مصداق‏ ربا تلقی می‏کنند،در حالیکه هیچ‏کدام از آثار ربا یعنی ظلم،تعطیل معروف و فساد را نمی‏توانیم‏ به طور علمی و تجربی در خصوص بهره بانکی‏ در جوامع امروزی صادق بدانیم.6گروهی دیگر نیز با طرح موضوع لزوم جبران کاهش ارزش‏ پول به منظور جلوگیری از ایراد ضرور بر وام‏دهنده‏ در شرایط تورمی،که از قواعد مسلم فقهی است،7 نظریه رایج را که بر ارزش اسمی پول تاکید می‏کند و پول را مانند سایر کالاهای مثلی می‏داند،به‏ چالش گرفته‏اند.8

به این‏ترتیب،دیدگاه‏های فوق،گونه‏های‏ متفاوتی از بانکداری اسلامی را معرفی می‏نمایند که در آنها پرداخت بهره لااقل به میزان نرخ تورم به سپرده‏های‏ استقراضی(در حال حاضر سپرده‏های قرض الحسنه‏ جاری و پس‏انداز)و دریافت این میزان بهره از وام‏های‏ اعطایی به مشتریان،مجاز دانسته می‏شود.9

از جنبه حقوقی نیز نظریه فعلی بانکداری بدون ربا با چالش‏هایی جی رو به رو است.از این دیدگاه،رابطه‏ وکالت که در نظریه فعلی بانکداری بدون ربا برای تبیین‏ رابطه بین بانک و صاحبان سپرده‏های سرمایه‏گذاری‏ مورد استفاده قرار می‏گیرد،معتبر نیست.این گروه از منتقدان،از جمله به این دلیل که برخلاف شرایط وکالت، صاحبان سپرده سرمایه‏گذاری در بانک حق نظارت و کنترل بر عملیات وکیل(بانک)را ندارند، دریافت‏کنندگان تسهیلات بانک را طرف واقعی در قرارداد می‏دانند نه سپرده‏گذاران را،و فوت هر یک از سپرده‏گذاران وکالت بانک را باطل نمی‏کند،فرض‏ وکالت بانک از سپرده‏گذاران را با قواعد حقوقی و فقهی‏ مسلم ناسازگار می‏دانند.10

در واقع،بانک کارگزار هر صاحب سپرده‏ای هم‏ هست،ولی رابطه بانک و سپرده‏گذار را نمی‏توان به‏ وکالت تغییر کرد.به همین جهت است که صاحب‏ سپرده،نظارتی بر کار بانک ندارد و نمی‏تواند به او دستور انجام دادن عمل تجارتی خاصی را بدهد و مرگ و حجر او نیز رابطه حقوقی بین بانک‏ها و سپرده‏گذار را منحل‏ نمی‏کند.چنین به نظر می‏رسد که قرارداد میان بانک و سپرده‏گذاران در زمره قراردادهای حقوق عمومی است‏ و نباید آن را با مضاربه یا وکالت یا ودیعه قیاس کرد.11 به این‏ترتیب،چنانچه ایراد حقوقی فوق بر نظریه فعلی‏ بانکداری بدون ربا پذیرفته شود،قاعده قرض یا رابطه‏ داین-مدیون بین کلیه سپرده‏گذاران و بانک به رسمیت‏ شناخته شود،سمت دارایی‏ها در ترازنامه بانک‏ها در کشور ما،که در حال حاضر مبتنی بر قانون عملیات‏ بانکی بدون ربا(مصوب 1362)فعالیت می‏کنند،با تحولی اساسی روبرو خواهد گردید.

3-چالش‏های اجرایی بانکداری بدون ربا

در زمینه اجرایی نیز بانکداری بدون ربا با چالش‏های‏ اساسی روبروست.همان‏گونه که در بخش اول این‏ نوشته بیان گردید،بانکداری اسلامی نظامی مبتنی بر اصل تسهیم سود و زیان و مشارکت بین بانک و مشتریان، شامل سپرده‏گذاران و تسهیلات گیرندگان است.به‏ فرض آنکه مشکلات ناشی از قرارداد وکالت بین‏ بانک‏ها و سپرده‏گذاران(تجهیز منابع بانک)با پذیرش‏ استدلال‏های حقوق‏دانان و جایگزینی قرارداد قرض به‏ جای آن و یا به شیوه‏ای دیگر مرتفع گردد،مشکلات‏ ناشی از به کارگیری قراردادهای مشارکتی که اساس و تاکید بانکداری بدون ربا نیز بر این است،پا برجا می‏ماند. بانکداری بدون ربا همچون بانکداری سنتی‏ در خصوص تنظیم قراردادهای مالی بین‏ بانک و دریافت‏کننده تسهیلات در معرض‏ دو خطر بالقوه قرار دارد.این خطرها در ادبیات مالی به اختصار گزینش نامناسب 12 و لغزش اخلاقی 13 خوانده شده‏اند.هر دوی این خطرها از مشکل اطلاعات‏ ناقص 14 و یا اطلاعات غیر متقارن 15 ناشی‏ می‏شوند.به عبارت دیگر،هر یک از طرفین‏ قرارداد مالی اطلاعاتی دارند که در قرارداد بر آن اتکا می‏کنند.این اطلاعات به موضوع‏ قرارداد،بهای آن،بهای سایر کالاها و خدمات و به وضعیت کنونی و مورد انتظار مرتبط هستند و منافع طرف دیگر قرارداد را نیز متاثر می‏کنند.با این همه،این اطلاعات‏ ناقص می‏مانند،زیرا هر طرفی برای قانع‏ کردن طرف دیگر،فقط به قدر ضرورت، اطلاعاتی از خود،انگیزه،توانایی‏ها و اهداف واقعی خود ابراز می‏کند.

خطر گزینش نامناسب،موضوعی مرتبط با قبل از عقد قرارداد است.بانک یا موسسه مالی به منظور پرهیز از این خطر،به هنگام مذاکرات، سعی می‏کند هر چه بیشتر راجع به موضوع و طرف‏ قرارداد آگاهی به دست آورد.اما،پس از عقد قرارداد، تصحیح این خطا به جز با پرداخت خسارت ممکن‏ نیست.از این پس،بانک یا موسسه مالی می‏کوشد با پیش‏بینی انواع ضوابط در متن قرارداد،ریسک ناشی از خطرات گزینش نامناسب و لغزش اخلاقی را مدیریت‏ کند.16

با مقایسه روش‏های تامین مالی اسلامی که بر عقود با بازدهی متغیر تاکید دارد و بانکداری سنتی که متکی بر قرارداد وام با بهره ثابت است،ملاحظه می‏شود که‏ عملیات بانکداری بدون ربا از ریسک بالاتری برخوردار است.در بانکداری سنتی کافی است که بانک نسبت به‏ توانایی مالی مشتری و کفایت تضمین‏هایی که دریافت‏ می‏کند،آگاهی داشته باشد،اما در بانکداری بدون ربا نه‏ تنها دریافت وثیقه از مشتری در قراردادهای مشارکتی‏ جایز نیست،بلکه میزان اطلاعات بانک از صداقت‏ مشتری،امانت‏داری و انگیزه‏های واقعی او که تاثیر بسیاری بر تحقق سهم بود یا زبان واقعی بانک‏ می‏گذارند،بسیار اندک است.17

این مشکل،موجب گردیده است که نتایج اجرایی‏ الگوی بانکداری بدون ربا،برخلاف انتظار نظریه‏پردازان‏ آن باشد.آنها تصور می‏کردند که تامین مالی با استفاده‏ از عقود مشارکتی بانک‏های اسلامی جایگزین تامین‏ مالی بانک‏های سنتی گردد.لیکن نتیجه غیر از این بوده‏ است.زیرا بانک‏های اسلامی از انواع مشارکت‏ها دوری‏ گزیده،به تامین مالی مبتنی بر بدهی روی آورده‏اند،تا آن‏جا که قراردادهای فروش 18،که به بدهی می‏انجامد، اساس فعالیت این بانک‏ها شده است.از این روی، بانکداری اسلامی شبیه به بانک‏های سنتی گردید.هر دو بانک بدهی ایجاد می‏کنند،با این تفاوت که بدهی در بانک‏های اسلامی از فروش پدید می‏آید،ولی در بانک‏های سنتی ناشی از وام است.19

با گذشت بیش از دو دهه از آغاز اجرای قانون عملیات‏ بانکی بدون ربا در کشور ما،ترازنامه بانک‏های دولتی‏ و خصوصی حاکی از تمایل آنها به استفاده هر چه بیشتر از عقود با بازدهی ثابت(فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک)در اعطای تسهیلات است.20این تمایل، همانگونه که پیش‏تر گفته شد،ناشی از لزوم پرهیز بانک‏ها از خطرات گزینش نامناسب و لغزش اخلاقی تسهیلات‏ گیرندگان و مدیریت ریسک ناشی از آنها است.

حذف بهره از عملیات بانکی در شیوه بانکداری بدون‏ ربا،بانکداری اسلامی را با مشکلات متعدد دیگری نیز مواجه کرده است؛از جمله این مشکلات،که البته‏ راه حل‏هایی برای آنها توسط اندیشمندان مسلمان ارایه‏ شده است،تاخیر در بازپرداخت بدهی‏ها توسط دریافت‏کنندگان تسهیلات و چگونگی جبران خسارت‏ بانک‏ها،وابستگی نرخ‏های سود بانک‏های اسلامی به‏ نرخ‏های بهره بین المللی،عدم تصور زیان در سپرده‏های سرمایه‏گذاری از سوی مردم،چگونگی‏ تامین مالی دولت و سرمایه‏گذاری در ارز است.21

چالش‏هایی اساسی در حوزه‏های نظری و اجرایی، در پیش روی متفکران‏ مسلمان و مدیران بانک‏های‏ اسلامی قرار دارد

جمع‏بندی

در طی بیش از سه دهه که از تاسیس اولین بانک‏های‏ اسلامی و بیش از دو دهه که از اجرای قانون عملیات‏ بانکی بدون ربا در کشور ما می‏گذرد،پیشرفت‏های‏ زیادی در ادبیات نظری و گسترش کمی و کیفی ارایه‏ خدمات مالی توسط بانک‏های اسلامی مشاهده‏ می‏شود.اندیشه اولیه،ارایه الگوی نظری بانکداری بدون‏ ربا،با آرمان حذف ربا بود که معادل با بهره در بانکداری‏ سنتی(مرسوم)گرفته شد.طراحان این الگو انتظار داشتند که پس از چندی تامین مالی مبتنی بر قراردادهای‏ مشارکت بانک‏های اسلامی،به طور کامل جایگزین‏ تامین مالی مبتنی بر وام(بدهی)در بانکداری سنتی گردد. بانکداری اسلامی از آغاز پیدایش تاکنون با چالش‏های‏ جدی نظری و اجرایی مواجه بوده است.از بعد نظری، معادل گرفتن ربا و بهره بانکی،که از نگاه منتقدان مفاهیمی‏ مربوط به دو دستگاه فکری و اجرایی متفاوت بوده و یکی در بازاری محدود و غیر رقابتی و دیگری در بازاری‏ وسیع و رقابتی شکل می‏گیرد،از جمله این چالش‏ها است.طرح بحث لزوم حفظ قدرت خرید سپرده‏گذاران‏ یا وام‏دهندگان،که بر اساس قاعده فقهی لاضرر صورت‏ می‏گیرد،نیز در این راستا است.

ایرادهای حقوقی نظریه بانکداری بدون ربا نیز کاملا جدی است.این ایرادها بیشتر متوجه رابطه وکالت بانک‏ و صاحبان سپرده‏های سرمایه‏گذاری می‏شود.در واقع، ایراد اصلی آن است که محدودیت‏های قرارداد وکالت‏ بین بانک و سپرده‏گذار،مانع از مدیریت درست منابع‏ بانک می‏شود.منابع بانک اسلامی باید همانند بانکداری‏ سنتی،در تملک آن باشد.در حالیکه حق تصرف وکیل‏ محدود به اختیاراتی است که موکل به او می‏سپارد.ضمن‏ آنکه،وکیل موظف است همواره موکل را از اقدامات‏ خود با اطلاع سازد و قرارداد وکالت با فوت و حجر موکل باطل می‏شود،در حالیکه هیچکدام از این شرایط در مورد قراردادهای وکالت بانک‏ها جاری نیست.

چالش‏های امروز بانکداری اسلامی در عرصه اجرایی‏ شامل تاخیر در تادیه تسهیلات دریافتی از سوی‏ مشتریان،چگونگی مواجهه بانک با این مسئله،عدم انتظار زیان از سوی سپرده‏گذاران،تبعیت بانک‏های اسلامی‏ از نرخ‏های بهره بین المللی،نحوه تامین مالی طرح‏های‏ دولتی و چگونگی حضور در بازار ارز است.حذف بهره‏ از قراردادهای مشارکتی بانک اسلامی موجب می‏شود که میزان مدیریت بانک بر ریسک‏های ناشی از گزینش‏ نامناسب و لغزش‏های اخلاقی مشتریان کاهش یابد.به‏ این دلیل،در چندین سال گذشته بانک‏های اسلامی‏ تمایل روزافزونی به استفاده از عقود با بازدهی ثابت، مانند فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک،که کارکرد آنها را شبیه به کارکرد بانک‏های سنتی می‏کند،از خود نشان داده‏اند.

با این همه،امید است که اندیشه‏وران مسلمان با ارایه‏ پاسخ‏های مناسب به اشکال‏های نظری و اجرایی‏ مذکور،در تکامل بانکداری بدون ربا بکوشند.

(1)- Universal Banking

(2)- Yusuf Talal Delorenzo,P

(3)-میرآخور،عباسی،ص 182.

(4)- Zafa Ahmad Khan,PP

(5)-هادوی تهران،مهدی،ص.54.

(6)-غنی‏نژاد،موسی،ص.270.

(7)-قاعده‏"لاضرر و لاضرار".

(8)-سعیدی،سیدمحسن،1384 و احمدعلی یوسفی،1381.

(9)-مهدوی نجم‏آبادی،سیدحسین،ص.171.

(10)-کاشانی،سیدمحمود،ص ص.110-108.

(11)-کاتوزیان،ناصر،ص ص 182-81.

(12)- Adverse Selection

(13)- Moral Hazard

(14)- lmperfect lnformation

(15)- Asymetric lnformation

(16)-مشکین،فردریک،ص ص.44-42.

(17)-القری بن عبد،محمدعلی،ص.181.

(18)-طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا(مصوب 1362)عقود فروش‏ اقساطی و اجاره به شرط تملیک از این گونه‏اند.

(19)-القری بن عبد،محمدعلی،ص 182.

(20)-بازمحمدی،حسین،ص.170.

(21)-القری بن عبد،محمدعلی،ص ص.160-159.